

اینکه چند وقت پیش ازین از اسب افتاده بود هنوز زنده
 می باشد سواره مزبور باین واسطه قدم جبرئیل کشید
 طایفه حاجب و بلوچ که بزراعت و فراولی انجام میدادند
 بقدم محاربه پیش رفته بنای تیراندازی وز دو خورد
 گذاشته بودند چون کل سوار در بسوق قلیبی رسید آن
 جنک بوده اند لکن حاجب و بلوچ جری شده با آنها
 زور آورد و سواره مزبور نیز توسن گریز را بسمت بسوق
 سبک عنان کرده تا بچین گاه رسیده باقی سواره اند
 بسوق بیرون آمده لکن چنان بعد از مشاهده این حال
 بلیجا جمع شده محصور گردیده اند چون از آبائی یا
 دور بوده اند و رسیدن آمد اقدری بطول کشیده
 بود چهار نفر از آن لشکریها از خدمت مجرب و شدت و
 بیخبال فرار از میان جمعیت خارج شده بودند سواره
 بی باین معنی برده جمعیتی فرستاده از بیره آنها را جلو
 و یکی را مقول و یکی را زخم دار و و نفر را دستگیر کرده
 باقی لشکری در ها بنجای پای ثبات فشرده خود داری نمود
 بودند و ترکمانان نتوانستند بودند جمعیت آنها
 از هم بپاشند تا اینکه علامات آمد از اطراف نمایان
 شده سواره ترکمان مایوس از پیشرفت کار و دست
 از مجادله برداشته مراجعت کرده بودند
 دیگر نوشته بودند که چون طایفه آتابای ترکمان درین
 اوقات زیاده برزگی می نمایند عالیجاه محمد جعفر خان
 نایب الحکومه مراقبت تمام در حفظ و حرارت معابر و
 و قراول خانها دارد و جمیع سرگردان مستحقین
 قدغن کرده است که با جمعیت و استعداد خود همیشه
 آماده

و از اطراف خبردار باشند و امنای کمال ایجا مرا
 هر که ام در حفظ سمت و سامان خود بعل می آورند
 از جمله عالیجاه احمد علیخان سر کرده پیاده استرآباد
 رستاقی که سکر او نزدیک او به ترکمان و قریب
 به و فرسخ از آباد می دور است چه در غیاب عالیجاه
 بشار الیه که در کوکلان مشغول خدمت بوده و چه این
 اوقات که خود در سر سکر مزبور است بجهت امر محار
 باج کمال انتظام داشته است چنانچه بکرات از طایفه
 ضاله ترکمان جمعیت بجهت اینکه اگر بتوانند سکر مزبور را
 اش بزنند یا اسبهای با غلوه مستحقه باج برسانند
 آمده اند و هر وقت که آمده اند از دست مستحقین سکر
 بلع یافته اسب و آدم از آنها زده شد و بی نیل مقصود
 مراجعت کرده اند عالیجاه احمد علیخان از راه کمال
 و که خدا غشی که دارد درین اوقات بارش سفیدان
 و که خدایان طایفه مزبور طر ح مر او ده ریخته است که
 کافیه سابق در مقام ایت و انقیاد بر آمده دست
 تطاول و عنان تیر و از چپاول نواحی کشیده دارند و
 در صدد تصنیع و تلف اسب و آدم خود بر نیایند تا
 مراجعت مقرب انخافان محمد و لیخان بیکر بسکی از کوکلان
 فریاری در کار آنها داده شود که رفع گد و رتی که قیام
 آنها عالیجاه قلیخان یوزباشی حادث شده است
 گردیده امر آنها بطور اصلاح بگذرد و ریش سفیدان
 طایفه مزبور نیز متحد گردیده و در مقام استمالت و
 الطیخان انکروه بر آمده از تاخت و تار مخالفت کرده اند
 از آن وقت دیگر از آنها خبری که هیچ نیست

۱۵۰۸

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند بحال آن
در ابولایت حاصل و امالی و رعایا نهایت رفاه
و آسودگی را دارند و امور ابولایت از حسن مراقبت
و اهتمامات نواب مستطابش برآوده و الا بتبارم
خانم میرزا حکمران بروجرد بختساری و عربستان
و لرستان از هر جهت قرین انتظام و انضباط است

چهارم آنرا آنست که با قورخانه مامور عربستان
بودند در ماه گذشته ذیقعه وارد بروجرد کرده
چون اسبهای توب کشی در عرض راه قدری
صدمه خورده و لاغر و مفلوک شده بودند و میان
قلعه بروجرد توپچیان و اسبان توپخانه راجا و
داده اند که چند روز در آنجا توقف نموده اسبهای
انها بحال بیاید روانه عربستان شوند

و پنجم چنین شترهای دیوانی را که حامل قورخانه بود
چون در راه لاغر و مفلوک شده بودند بحسب حکم نواب
شاهزاده طوفانیکامه با شترها و جیره بشترداران
دادند که بعد از آنکه شترها را بحال آوردند
روانه دارانکلا مبارک شوند

و ششم نیز سربازان مراغه که مامور خدمت بروجرد
بستند طبوکس بده هستند آنها را درین اوقات
داده اند و همه روزه با بحال از اسکلی در میدان

قلعه مشغول مشورت میباشند و صاحب منصبان
انها نهایت مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها
دارند

فوج عالیجاه مقرب الحاقان و لیجان سیلاخوری
که مامور عربستان بودند مدارکات آنها بجهت
از طبوکس و مواجب ششماهه و سایر ملزومات
دیده شده در اول ماه ذیحجه احضار بروجرد شدند
که هنگام حرکت بفرع عربستان در کار آنها هیچ
معتل نباشد احاد و افراد فوج مزبور را درین
سال نواب ششماهه حشام الدوله خود بوقت
رسیدگی نموده و نظام درستی در کار آنها گذارند

دویم آنست که نواب جلال الدین میرزا که
مأمور آنست شده اند بسیار با نظم و قاعده حرکت
کرده اند و امالی و ایلات آنجا بحال امیدواری
نهایت رضامندی و شکرگذاری از حسن سلوک
و رعیت داری نواب معزی الیه دارند

و همچنین نواب علاءالدین میرزا که روانه تبریز و بالا
شده بودند بعد از ورود امور آنجا را نظم درست
داده و ایلات و حشام آنجا هر یک بجای خود
قرار گرفته مشغول عیشتی میباشند و از حسن مراقبت
و مواظبت نواب معزی الیه از احدی خلاف خیالی
ناشی و صادمیشود

۱۵۰۹

فارس

از قراریکه در روزنامه بندر اوشهر نوشته اند کمال
 اذیت و استقام و فراوانی و ارزانی در آن ولایت حاصل
 و هوای آنجا اسال در نهایت ملایمت و اعتدال
 مالی آنجا از اینجمله بسیار خرسند و خوشوقت بودند
 که در هیچ سال هوای باین خوبی و اعتدال در آن
 ولایت که اغلب لها که با نهایت شدت را داشت

ندیده بودند

دیگر نوشته بودند که چون عباس خان زیر این
 قلعه زیاده معرور و سر از اطاعت و انقیاد این دولت
 قوی شوکت باز زده و در ادای مالیات دیوان
 مینمود و علاوه بر آن تعدی و اجحاف زیاد با مالی بر
 میکرد و زیاده از بدی رعایا مالیات از آنها و زیاده
 و آنچه دسری و تندر و سر بر آورده بود عالیجاه دریا
 میرزا ابراهیم نویسنده خود را با اعلان ابو اجمعی خود
 و بلوچهای جزیره خارک و مهر رضایک خوشابی را
 با لشکری قریه زیارت و سیره و برادر رضا خان
 با لشکری آنکالی و که خدایان رو و حسد را با لشکری بسیار
 و احمد خان ضابط حیات داد و در با لشکری حیات داد
 به تینیشار الیه و تینجر قلعه زیاده مامور نموده مامورین
 بالاتفاق جمعیت کامل انعقاد داده یورش قلعه نمود
 برده عباس خان و محصورین نیز در سبب ستم و او بر
 کشوده بعد از کوشش بسیار که اغلب جمعیت خود را کشوده

و خود را در معرض تلف دیده بود آنچه مقول و زخم آرد
 با عیال و اطفال خود برداشته با کمال خذلان و
 راه فرار پیش گرفته مامورین بقهر و غلبه بر روج و
 استعلا و بیعتی استیلا افراخته قلعه را تصرف نمود
 درین یورش از لشکری زیارت سه چهار نفر مقول
 و چهار پنج نفر مجروح شدند و از قلعه کمان محسوم
 چند نفر مقول و زخم آرد بوده اند زیرا که هر چه بود
 عباس خان همراه برده بود عالیجاه دریا یکی
 استماع خبر فتح قلعه زیاده بجهت میرزا ابراهیم و چند
 از ضابط و که خدایان فرخویشان و خدمت خلعت
 و بجهت زخم آردان جراح روانه نموده بود و همچنین
 شبانکاره را نیز که مردی مفدت بیسه و در خود را
 مالی عباس خان بود عالیجاه دریا یکی بوسه را
 و پس از ورود گرفته محبوس و زیاده و شبانکاره
 حیرت آموده بمردمان معقول معتبر خدسگذار و اگدا که در
 مالیات آنجا را برودی و خوبی بخیط و حصول رسانند
 روانه دارند و مالی آنجا از اینکه شران و منف سیر
 از سر آنجا رفع و دست تعدی و ظواهرشان از
 اولایات کوتاه گردیده است زیاده شاکر و دعا
 این دولت جاویدت علیه میباشد و با
 فراغت و آسودگی مشغول رعیتی و کسب و کار خود
 هستند

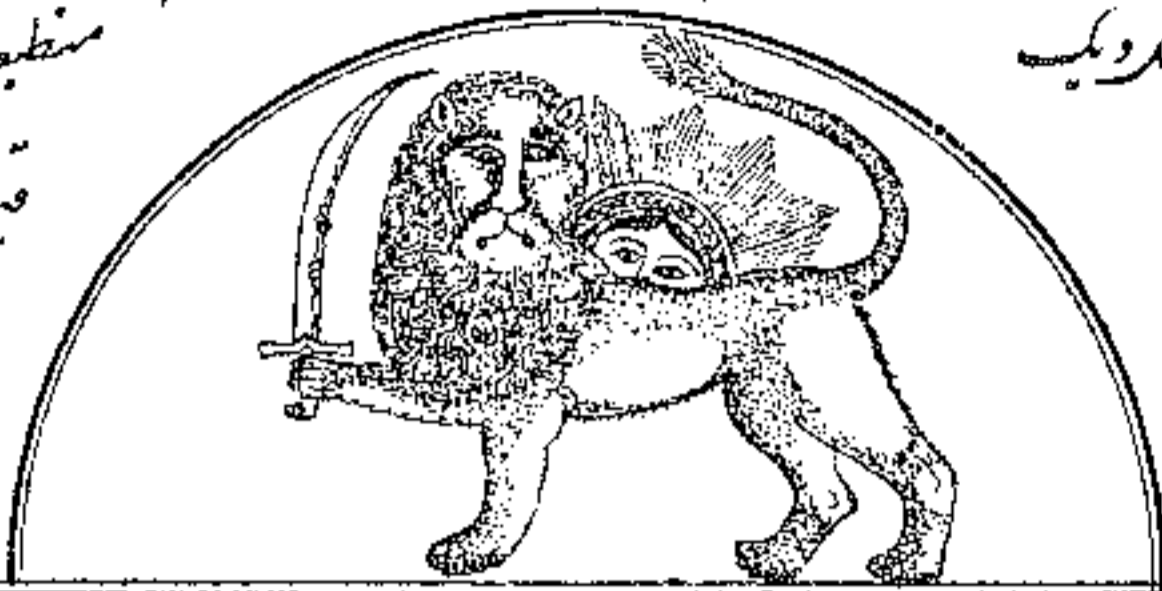
انجا را دیگر ازین ولایت بود که در غنچه آینه نوشته

روزنامه قایم انفاقیه سیاحتی پوم پوسه سهریح محرم بن سنه ۱۲۷۱

نزهت و استراحت و یک

قیمت روزنامه

برینچه و شکر



منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی هر

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که در نیاوران تشریف فرما
در روز یکشنبه بیست و ششم ماه ذیحجه اسحرام
عزیمت دارالخلافه مبارکه فرموده چاکران دیوانه
عمار استلطانی را بجهت ورود موکب فیروزیه کوکب
هایون زینت و آرایش داده و بهم چنین کوچها و بازارها
و جامائی که محل عبور موکب هایون بود آرایش دادند
عموم االی دارالخلافه مبارکه بجهت زیارت وجود فیاض
بیرون آمده در بیرون شهر و داخل شهر همه جا از دهان
تمام نمودند و از آنجا که موکب هایون حرکت فرمودند
همه جان نظام نصرت فرجام از توپچی و سرباز و سواره
نظام و زنبورچی فوج فوج و دسته دسته در دو
راه صف نظامی کشیده و شلیک توپ و زنبور
بکرات بقاعده معموله کردید سواره نظام و افواج

قاهره در کمال شکوه و آراستگی منظم مبارک رسیدند
و موکب هایون از دروازه شمیران وارد شهر گردیدند
چاکران در بارهایون از اعلی دادانی و عموم االی
دارالخلافه از زیارت وجود هایون مردم دیده را
چشم روشنی داده تقدیم قربانی و پیشکش و پایی
نمودند و نزدیک بعصر اعلیحضرت شامشاهی بارک مبارک
سلطانی منزل اجلال فرموده تحت مرمر دیوانخانه
بزرگ را بقدر وجود هایون زینت و زینت بخشوده
سلام عام انعقاد یافت تا منی شاهزادگان عظام
دولت علیه و سران و صاحب منصبان نظام خوا
گرام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده بعد از شلیک
وزنبور که ادای خطبه بلنج بنام اقدس هایون دادند
غیر و شوکت ابقرون ختم شد جناب شرف امجد محمد صدر
مخاطب فرموده در باب خوشگسستن و میلقات خوبی این اوقات

۱۵۱۱

و از آن خلافت مبارک که و اینکه در دولت عاشر انشا الله هو
 بهتر و مردم در تقزیه داری جناب سید الشهدا قرین
 و از خدمات که مافایع خواهند بود فرمایند علیه
 رفت سلام عام مقتضی گردید
 سرکار علیحضرت اقدس هایدون ظل اللهی نظر با
 احکام شرع بین و لزومات رای اقدس عدالت
 قرین که جمیع طوایف ظل و ادیان و قاطبه اهل کتاب
 و دین که در بلاد و ممالک اسلام در ظل شریف معطر
 مستند از هر گونه تعرض محروس و مصون و در تحت
 حمایت این ملت ظاهره و دولت قاهره بشمارند
 محفوظ و نامون باشند امر و مقرر فرمودند که مجتهد
 این کیفیت به هم خلق اعلام و اخبار شود اگر از جمله
 دعواتم بالفرض در صد و خلاف آن برآیند بدانند
 که منافات کلیه بارای اقدس هایدون دارد و
 احدی از افراد ناس بهیچ وجه من الوجوه آذیت و آزار
 بهیچیک از اهل کتاب اعم از نصارا و یهود و کبر و مجوس
 و غیره رعایای این دولت برساند بلکه آنها را در ظل
 ظلیل علیحضرت اقدس هایدون در هر نوع انموله
 حفظ ناموس و جان و مال و آسایش و امنیت
 و آرامش و بهره یافتن از آثار حمایت دولت
 و سلطنت عظمی مساوی و برابر دانند و نیز امر
 فرمودند که که خدایان و ریش سفیدان جمیع بلاد محروس
 عامه اعلیٰ بخدمت او ضمیمه شریفانند و دول حکم قضا
 شمول

۱۵۱۲

شاهنشاهی آگاهی داده مطلع سازند که هرگاه کسی
 تعرض یکی از اهل ظل مزبور باشد مورد مواخذه خواهد
 چون امیر الامراء العظام میرزا محمدخان سرکشکی باسی
 در سفر بیلافات خاطر اقدس هایدون شاهنشاهی
 از حسن خدمتگذاری خود خوشند داشته بود
 لهذا خدمات مقرب انخاقان مشارالیه مستحق
 خاطر ملوکانه افتاده در روز و روز و موبک هایدون
 از نیاروان بدار آن خلافت مبارک که یکتوب کلیجی
 ترمه از طبوس تن مبارک باو خلعت مرحمت فرمودند
 و همچنین مقرب انخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله
 نیز در انجام خدمات محوله بخود مراتب حسن کفایت
 و اهتمامات خود را در پیشگاه حضوره بطور ظاهر ساخته
 در خور عنایت ملوکانه آمده بودند هم در روز و روز
 موبک هایدون یکتوب کلیجی ترمه نیز از طبوس
 بدین مبارک مقرب انخاقان مشارالیه خلعت
 مرحمت گردید
 نظر بحسن قابلیت و شایستگی عالیجاه عبد العلی خان
 اویب الملک و اهتمامات او در انجام خدمات
 مرجوعه بخود مورد و التفات خاطر اقدس هایدون
 گردیده در روز عید فذیر در نیاروان یک طاقه
 ترمه باو خلعت مرحمت گردید

چون عالیجاه مقرب انجاقان جعفرقلینان سرتیب
 مراغه در مشق و آراستگی و انتظام سربار جمعی
 آثار کفایت و معقولیت ظاهر ساخته و خاطر اهل
 بایون را از حسن حدیثگذاری خود خوشنود
 داشته بود خدمات او مطبوع و مستحسن خاطر
 اقدس بایون شاهنشاهی افتاده لهذا درین
 اوقات از جانب سنی اجدانب بایون یک
 لوح جبهه ترمه بسیار خوب بمقرب انجاقان
 مشارالیه خلع مرحمت گردید

چون امور رسیدگی و راه انداختن معادن
 محروبه مسلوبه المنفعه و جدیده اعدائی حاکم
 محرومه بموجب فرمان مهرلعنان بایون عالیجاه
 مقرب المحضه انجاقانیه حاجی میرزا اجتنابناظم
 محول و واکذار بود مشارالیه نیز بحسب امورت
 همیشه در خدمت محوله مراقبت و مواظبت تمام
 بعمل آورده در بعضی جایها که سراغ و نظارت
 داشت آدم فرستاده بکار کردن مشغول شدند
 و از بعضی جایها هم نمونه سنگ و خاک آورد
 و امتحان نمودند از جمله در چند جا از صفحات
 و بلوک سبزوار که آثار معدن مس داشته
 کار میگردند در این اوقات که حاصل و منفعتی
 از آنجا معلوم گشته و عاید شده بود مراتب
 بعرض اولیای دولت ابد آیت قاهره رسانده

مورد عنایت و التفات گردید و کتب و جبهه
 ترمه از جانب سنی اجدانب ملوکانه حسب اشاره
 عالیجاه مشارالیه خلع مرحمت شد که ریب
 برود و در مشق مفاخرت و مباحث خود ساخته
 بیش از پیش در انجام خدمات محوله بجا بود
 و سعی باشد و چون خود مشارالیه متقبل
 و متعهد پذیرش گردید اولیای دولت علیه گامی
 معاونت و غیره صفحات سبزوار را مشارالیه
 واکذار کردند که هر چه منافع و داخل حاصل
 شود و بخود او عاید گردد و احکام نمود که بجهت
 این باب نوشتند که در صفحات سبزوار
 بدون اذن و اجازت کسان مشارالیه احد
 را احسنه در امر معادن آنجا نمایند و در سایر

جایا نیز هر جا که باشد بن و کان او سراغ
 معدن بکنند و خواسته باشند کار نمایند
 احدی مخالفت نموده از حکام و ضابط آنچه
 لازم است حمایت و تقویت است بعمل بیاورند
 است که بعد ازین امر معادن در تمام حاکم
 رواج و انتشار بیاید و فرای آن عاید دولت
 و رعیت گردد

این اوقات که دینه عاشورانه و کلمات
 و اختلاف در رتبه و مدارک بستن تکالیف
 واری جناب سید الشهدا میباشند

۱۵۱۳

سایر ولایات

اورباچان درین هفت ازین ولایت
اخباری رسیده است که در روزنامه نوشته شود

استراماد

ازین ولایت نیز اخباری رسیده است که نوشته شود

اسدایا

ازین ولایت نیز اخباری درین هفته رسیده است

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند کمال است

و انتظام در امور آنجا حاصل و بجز الله نهایت

فراوانی و ارزانی است و قیمت بر خراشها کم است

و غیره نسبت بقوتی که کرده است فقره وضعها

از این حمله کمال دعا کونی و شکر گذاریرداند

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده و الا

حمت الدوله که وارد اصفهان شده اند در روز

ورود جمیع اشراف و اعیان و اعزّه ولایت استقبال

آمده اند و نواب مغزی الیه کمال القات بانجا نموده

و بعواطف اولیای دولت علیه امیدواری تمام داد

و هر یک از مباشرین و کارگذاران دستور العمل

و طریق سلوک خود را مطابق فرمایشات نواب مغزی

دانسته مشغول انجام خدمات محوله بخود کرده اند

و همچنین در نظم حفظ و حراست شهر و محلات قراولها

بعد از ورود و قرارهای درست داده اند از جمله باچها

ساعت از شب رفته هر کس از قراولها نما عبور نماید

با فانوس یا بی فانوس متعرض نشوند مگر کسی که شکر

کرده و شکرارت نموده باشد بکیرند و بعد از چهار ساعت

هم اگر کسی با فانوس میگذرد و مزاحمت نرساند و اگر

بی فانوس است قراول او را نیز دستگیر نمیکند فوج

و معلوم نموده روزنامه بکند اگر شکر است عیبیه شود

و الا متخص نمایند و همچنین در نظم فوج متوقف اصفهان

از توپچی و سرباز قرار داده اند که هر روزه از طلوع

صبح صاحب منصب تا بین در میدان حاضر شده تا دو

ساعت مشق نمایند و دو ساعت بعبور مانده نیز

سربازان و سربازان و جمیع صاحب منصبان در میدان

حاضر شده تفکک سربازی بدست گرفته شش میکتند

و بجهت تسویق این نظام بعضی روزها را خود نواب مغزی

ببر مشق آنها حاضر میشوند و همچنین در این نظام طریق و شوق

الترام از ضابط و مباشر هر بلوک گرفته اند که هر

خاک خود را محافظت نمایند اگر سرفقت اتفاق بیفتد

سارق را حکماً بدست بیاورند و الا از عهد عمارت

اموال مسروقه برآیند و در عرض راه در هر جا که لازم

بوده است اسواره افشار و غلامهای جمعی عاقلان

ایاز خان قراول و قراولان مستخص و نامور نموده

که مشغول حفظ و حراست طرق و شوارع باشند که عاقلان

و سربازان با اطمینان و خاطر جمعی عبور و مرور نمایند

و همچنین در باب روزنامه شهر و بلوک و توابع

دیگر نوشته بودند که قبل از ورود نواب حشم الله
 با صفهان چهار صد تومان از خانه که خدای متعال
 مسرقت کرده بودند دار و غده که خدایان در
 تلفض برآمده و منقطع در دریا سخر ابر برده تخواه
 مر نور را در اینجا از زیر خاک پیدا کرده بحضور
 معزی الیه آورده بصاحبش تسلیم نمودند و گمان
 این مسرقت به رجعی نامی بتامیرفت است او را
 گرفته مجوس دارند با حقیقت معلوم شود

پروچرو و بطلام

ازین دو ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است
 خراسان

از قراریکه در روزنامه ارض اقدس نوشته بودند
 در محله عیدگاه منزل ملا حسین نام حفار آتش گرفته
 و متاسفانه هر قدر خواسته بودند خاموش کنند
 ممکن نشده بود از آنجا سرات کرده یک اطاق نشین
 و یک باب دکان که متصل با آنجا بوده آتش گرفته
 و از آنجا بنجازه متسایه آن حفار آتش افتاده مرد
 مشغول خاموش کردن آنجا شده بودند درین
 بین بعضی اسباب که از شخصی شرع باف و بعضی اسباب
 دیگر از زواری سبقت رفته بود در خانه آن سبب
 حفار یافته بصاحبانشان تسلیم نمودند و آتش را خاموش
 کردند با اینکه خانه او دکانین اطراف اغلب خوب
 بوده است سرات بجای دیگر کرده بود

دیگر نوشته بودند که درین اوقات چند خانوار از
 طایفه هزاره بشهر نوا آمده ریش سفیدان آنها بحضور
 مستطاب شاهزاده محترم و الا تبار فرما نفرما حکمران
 مملکت خراسان آمده مورد التفات گردیدند و
 امیدواری تمام بعنایات اولیای دولت علیه حاصل
 کرده خلعت و انعام با آنها داده شده مقصی المرام
 بشهر نورفتند سایر طوایف هزاره نیز بعد از استماع
 التفاتی که در حق آنها که بشهر نورفته اند شده است
 بمیل و رغبت خود دست دیگر باز بشهر نوا آمده و ریش
 سفیدان آنها نیز شرفیاب خدمت نواب معزی الیه
 و مورد التفات گردیدند

دیگر نوشته اند که در شب صحن جدید که از طرف خیابان
 دکانین متصل دیوار صحن را مقرب انخاقان وزیر
 نظام گفته بود که خراب کرده از نوب سازند پی
 دیوار را که بر میداشته اند خمره پیدا شده بود
 مقرب انخاقان مشارالیه مطلع شده چند نفر آدم
 فرستاده بود خاک اطراف خمره را برداشته
 او را کشوده بودند از قرار مذکور پر از خاک بود
 و غیر از خاک چیزی دیگر پیدا نشد

در باب شایب اف خانه ارض اقدس نوشته بودند
 چون تا پارسال قرار بدی دیوانی ندانسته اند
 پارسال مباحثین جمعی با آنها سبقت و تخواهی
 کرده و گرفته بودند در جده اسن محض رفع عبت

۱۵۱۵

دیگر نوشته اند که بهروز نامی از اهل لیراوی بهبهان
 که در یکی از قرائی حیات داود ساکن و بدزدی و زور
 مشهور بود و عالیجاه دریا یکی ایتام داشت که او را
 دستگیر کرده شش سال را در سر مردم رهنه نماید و
 اوقات مشارالیه بجزم دستبرد منزل میرزا ابراهیم
 نویسنده دریا یکی که در حیات داود حاکم است
 بود یکی از بلوچهای مستحق او را دین تعاقب کرده بود
 در خارج آبادی باور رسیده بجزم و زد و سه زخم کار
 باور زده و بلوچ نیز دو زخم شمشیر بهروز زده اهل
 آبادی خبردار گردیده بهروز را گرفته بودند عالیجاه در
 بعد از اطلاع نوشته بود که بهروز را به پو شهر بفرستند
 از قرار مذکور زخم هر دو کاری است معلوم نیست
 کدام یک زودتر خوانند و از قرار روزنامه که
 در ثانی رسید زخم بلوچ مستحق التیام پذیرفته
 و خوب شد و بهروز بهان زخمها در گذشته
 دیار رستی گردید

دیگر نوشته بود که در این اوقات عالیجاه دریا یکی
 محمد باقر خان سرینک فوج فریدن و محمد کریم خان یاور
 بایک سلطان و یک سرتیبر خیزه خارک
 و قرار داده است که قلعه انجارا هر چه تعمیر لازم داشته
 باشد کرده مشغول حفظ و حراست آنجا باشند و
 یک عراد و توپ شش پوند و پنج قبضه جراب و بقدر
 لازم حورخانه با توپچی و حور خاچی متعاقب آنجا روانه

۱۵۱۶

جزیره مزبور کرده است
 قسم و قروین از این ولایات نیز درین هفته
 روزنامه نرسیده است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند درستم
 ماه و یقعه زوار زیاد از بلده و بلوکات کرمان
 ارض اقدس روانه شده بود
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه مقرب الخاقان شجعی حاج
 سرتیپ هر روز در میدان بیرون شهر سربازان
 خود را مشق میدهد و کمال ایتام در مشق و انتظام امر آنها

کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته بودند شخصی
 که بدزدی مشهور بود و در سنه ۱۲۰۴ قبل در دار اسخلاق
 کرده و یک دست او را بکلم اولیای دولت قاهره در
 طهران قطع کرده بودند در این اوقات در کاشان بخانه
 ضعیفه رفته و دو بقچه رحمت زمانه برفت برده بودند
 محسن خان حاکم کاشان فرستاده او را دستگیر
 سر و قدر امته و تسلیم ضعیفه مزبوره نموده او را بعد از
 مضبوط اخراج بلد کرده التزام گرفته بود که او را در هیچک
 بلوکات و بلده راه ندهند
 کرمانشاهان و کروشان و کروش و کلبان
 و مازندران و نهاوند و همدان و پروان و ولایت نیریز
 اجباری رسیده است

و حصول دعای خیر بجهت ذات اقدس جانین
 شاهنشاهی مقرب انخاقان وزیر نظام بعض نواب
 شاهزاده رسانده و نواب معزی الیه حکم داد
 که نوشته شده و در سبک کنده نصب گشته
 که بعد ازین دیناری وجبه از صنف شال باف
 مطالبه نشود که اسوده خاطر مشغول کس خود و
 کوفی ذات اقدس جانین باشند
 حمزه و خورشید و کلیایکان و غیر
 و عراق سلطان آبا و ازین ولایات
 نیز درین هفته اجباری نرسیده است که در روز
 نوشته شود

فارس

از فراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته
 چون عالیجاه دریاسبکی در انتظام امور آن صیحات
 و انجام خدمات دیوانی مراتب اهتمامات خود را
 ظاهر ساخته بود لهذا نواب مستطاب شاهزاده
 و الایبار موید الدوله طحاسب میرزا حکمران مملکت
 فارس بکفاقتشال کشمیری و یک ثوب قبا
 یک قبضه کار و مرصع تجده مشار الیه خلعت فرود
 و مشار الیه نیز لوازم اعزاز و احترام خلعت را در
 روز زور و بعل آورده با امالی واعیان آنجا
 استقبال کرده و نهایت دکر می با التفات
 دولت علیه بهم رسانده مشغول انجام خدمات محوله

سجود پناشد
 چون از جانب اولیای دولت قاهره بجایگاه
 دریاسبکی حکم شده بود که دیوار حصار شهر ابوشهر
 که نسبت دریاست باز در عالیجاه مشار الیه
 دویم ماه ذیقعد بنا و عمله بکار انداخته و شروع
 ساختن آنجا نموده ابتدا از برج سحری تا برج اول
 که جنب برج مزبور است شد و قرار شد که بهین
 برج سحری دیوارش را باز نه تا چهار برج دیوار
 متصل شود و تا سطح شهر مزبور دیوار حصار از برج
 سحری الی برج اول از قراریکه باید دید کرده اند
 از شالیده تا سه ذرع ارتفاع ساخته شده است
 و آنچه ساخته اند در کمال خوبی و استحکام است
 و از فراریکه نوشته اند در ماه ذیحجه بنا بود
 که شروع ساختن جان پناه نمایند و عالیجاه قریبا
 سعی و اهتمام زیاد دارد که بزودی حصار چهار
 برج متصل شود

عالیجاه مقرب انخاقان محراب اسیم خان سیر
 با فوج سه ده اصفهان در یازدهم ماه ذیقعد
 وارد بانغ لیل که یکفرسخی بو شهر است شده و عالیجاه
 در یاسبکی او را استقبال نموده و در روز دوازدهم
 وارد بو شهر گردیده تمامی نوکرهای دیوانی با او
 و فوج مزبور در روز زور و با استقبال رفته لوازم
 احترام او را بعل آورده اند

۱۵۱۷

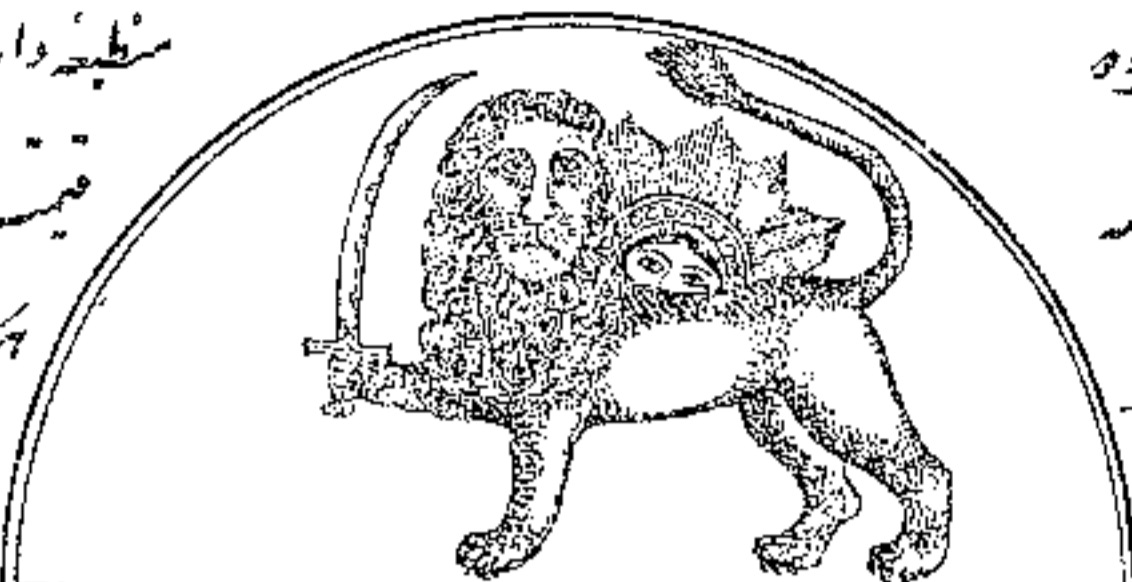
تاکید اب اکیده نموده اند که همه روزه که خدا مان
 و قایع اتفاقیه را ثبت و ضبط نموده نواب معزی
 از جزئی و کلی امورات استحضار بدینند و نیز جاری
 بازار انداخته جا زده اند که در هر هفته دو روز
 خود نواب معزی الیه بعبایض و مطالب عموم الیه
 آنجا رسیدگی می نمایند از عالی و ادانی هر کس
 عرض و مطلبی داشته باشد بی مزاحمت در بیان و
 آمد و عرض نماید و در سایر ایام هفته هر کس مطلبی داشته
 باشد بدیوانخانه حاضر شد عرض بکند کار گذاران
 و دیوانخانه مطلب او را نوشته بعبایض نواب معزی الیه
 برسانند تا حکم آن بشود و همچنین در تعمیرات و آباد
 عمارات دیوانی تا کیدات اکیده نموده اند و بنا
 بنجار و حجار مشغول کار میباشند و در تعمیر عمارات
 جدید و پل خاجو و عمارت جدید هفت دست اهتمام
 نموده اند که زود با تمام برسانند و هم چنین در بنا
 محاسبات دیوانی بده پسند و انجام قسط مالیات
 و قرار و اد امور رعایا و تشخیص بقایای دیوانی بجای
 میرزاز کی سفارشات بلیغ شده همه روزه با
 مستوفیان و سررشته داران در دفترخانه مشغول
 انجام خدمات محوله بجا بوده هر عملی و حسابی که در
 دفترخانه مشخص شد روز بروز عالیجاه مشار الیه
 صورت آنرا خدمت نواب معزی الیه معروض داشتند
 خود جزا بجز رسیدگی نمائیند

۱۵۱۸

درین اوقات چند نفر از که خدایان و رعایای
 بلوک ماریین در دفترخانه بزرگ عالیجاه میرزاز کی
 آمده مذکور داشته بودند که مادی حسینی چند سال
 که از خاک و گل انباشته شده یا زده قریه که بیشتر
 آنها خالصه دیوانی است از آب این مادی مشروب
 میشوند اگر مادی مزبور تنقیه نشود مبالغه کلی بدیوان
 و رعایا ضرر خواهد رسید مراتب بعبایض نواب
 حتمت الاوله رسیده حسب احکام بقدری چند امر
 تقسیم شد که مادی مزبور را تنقیه نموده زرافات
 خالصه و اربابی را مشروب سازند و همچنین بجهت
 تنقیه مادی بجهای کلیت و بلوک لنجان عمل مشخص نموده
 و سایر افراد خالصه و مادیهای بلوک بر آن آدم
 فرستاده اند که باز دید کرده آنچه خرابی داشته
 باشد مشخص بکنند که هر قدر در محله لازم بشود روان
 نمایند که آنجا را تنقیه بکنند عموم رعایا و اربابان
 اعلاک ازین حسد زیاده شاکر و دعا گوئی دولت
 قوی کنت علیها بیاسند
 و بکریجه باز دید محصول شتوی و صیفی بلوکات و توابع
 جمعی از که خدایان این را با اتفاق عالیجاهان علی کبریا
 و ابراهیم خان روانه نموده اند که از روی دولت
 و امانت و راستی محصول آنجا را باز دید کرده
 ثبت آنرا بد دفترخانه مبارک که بسیارند تا قرار آنها
 بمقتضای عدالت داده شود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پویم هجری ۱۲۷۲
مطابق سال ۱۳۵۱
مهر ماه

نزهت چهره
قیمت روزنامه
هر نسخه ده شلر



منظومه دار اخلاذ طهران
قیمت اعلانات
هر خطی شلر

اخبار واحزاب محروسه پادشاهی

دار اخلاذ طهران

در روز پنجشنبه شهر زیاده احترام اعلی حضرت است
بایون شاهنشاهی عزیمت زیارت بقعه قبر که امامزاده
عبدالعظیم فرموده اول افواج قاهره و سواره نظام
که در خارج دروازه دولت مشغول مشق بودند پادشاه
فرموده بعد از آن بگاخذ کرخانه که تازه در خارج دروازه
دولت میازند تشریف فرما گردیده ملاحظه وضع
و اسباب کارخانه مزبور را فرموده از آنجا تفرج بآ
نظاره جناب جلالت آفتاب امجد خیم صدر اعظم
تشریف فرما شده مدتی تفرج و سیر آنجا فرمود
و بعد از آن زیارت امامزاده واجب العظیم تشریف فرما
گردیده هنگام عزوب آفتاب مبارک که سلطان
معاود دست فرسودند

حکمران قنار که با عریضه و پیشکش بدر بار جهان
بایون آمده بودند چون در وقت ورود مشارالیه
که دویم و پنجمه بود و در غرضه ۲۳۷ این روزنامه
شد موکب بایون شاهنشاهی در سیاحتات تشریف
داشتند مشارالیه در مهاجرتخانه دولتی توقف داشتند
تا بعد از ورود موکب بایون در روز ۱۸ ذیحجه
که اعلی حضرت شاهنشاهی باسلام عام داده بودند
فرستاده مزبور شرفیاب حضور مهر ظهور و عریضه
و پیشکش او معروضه سینه سلطنت شده
مور و الثقات خسروانی گردید

از قراریکه در این اوقات عریضه امیر قاین معروض
حضور بایون گردید سید سوار افغان بفرمان
قاینات آمده و بسجده طمیس گذشتند بودند عالیجناب
میر علم خان پسر قربانخان قاین امیر قاین که کیفیت
مطلوب

۱۵۱۹

شده با جمیت و استعداد با آنها مقابله نموده و طرز
 جنگ در پیوسته از اقبال بیروال سرکار اقدس
 هایون شاهی جمیت میر علم خان غالب آمده چهل
 تیره سر و چهل نفر زنده از افاغنه مرزور دستگیر
 بقیه اسبف مخدولاً و منگوباً سر خویش و راه فرار
 پیش گرفته هم در روز سه شنبه ۲۱ ذیحجه الحرام
 که اعلیحضرت شاهی در دیوانخانه بزرگ باسلام
 عام داده بودند عریضه شارالیه واصل و معروض
 پیشگاه حضور هایون گردیده مواری یکثوب جبهه
 بجهت مقرب الخاقان امیر قاین و یکثوب جبهه ترمه
 کرمانی و یک قطعه نشان از مرتبه دویم پیرپی
 حق عالیجا میر علم خان حجت شد
 در روز پنجم سلخ شهر ذیحجه الحرام حسن یکاوم
 محمد حسن خان سردار حکم ان بزد و کرمان وارد
 خبر فوت مرحوم شارالیه را آورد که در ماه ذیحجه
 بر حمت ایزدی پیوسته است از اینکه شارالیه از
 عمده چاکران این دولت علیه و کمال کفایت و کمال
 موصوف و مصدر خدمات کلیه بود اعلیحضرت اقدس
 هایون شاهی و جناب جلالت مآب امجد محسنم
 صدر اعظم از فوت او بسیار متاسف خوردند
 و فرمان مهر لعلان هایون مبنی بر اظهار رحمت و
 عیالته بکل اولاد و بازماندگان آن مرحوم شرف صدور
 یافت تا بعد از عاشورا و فراغت از ایام تعزیه دار

۱۵۲۰

در حق هر یک حتمی مخصوص نرسیده

نظر با استقاماتی که از مقرب الخاقان میرزا ابوالحسن
 شیر الملک در وصول قسط دیوان و محاسبات
 و معاملات فارس در پیشگاه حضور هایون واضح
 لایح گردیده بود لهذا درین اوقات از جانب
 اقدس لوکانه یکثوب جبهه ترمه مقرب الخاقان شارالیه خلعت
 و ارسال گردید
 چون اعلیحضرت اقدس شاهی را ویده مقدسه
 حضرت امامزاده عبدالعظیم را برای مظلومین است
 قرار دادند که ساینکه پناه بان زاویه مقدم برده
 هر هفته عرایض ایشان بتوسط نواب شاهی بر آید
 بنظر مبارک اعلیحضرت شاهی رسیده و انظر
 جناب جلالت مآب اشرف امجد محسنم صدر اعظم
 گذشته حکم هر یک صادر گشته بعد از زیارت
 که بتوسط نواب شاهی بر آید اعلیحضرت شاهی رسیده
 هر یک باز درست مانده بیرون نیامده یا در
 بنای کسب را گذارده باشد البته مورد مواظبه
 خواهد شد
 در این اوقات که دهنه عاشورا و ایام تعزیه دارکی
 سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء میباشد
 حسب الامر اقدس شاهی عسوم چاکران در
 هایون از نظام و غیر نظام از التزام خدمت در
 رخص و معاف اند که به تکایا و جایهانی که مجلس تعزیه

<p>داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام بر پایه رفته اوقات را صرف تعزیه داری و دعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی نمایندگیای دولتی ارک مبارک سلطانی و سایر تکیایای شهر خوب بسته اند و درین سال بیشتر و خوشتر از سال دیگر تکیا بسته شده است و تشارالکبیر است و وفور جمعیت درین عهد بد مقرون سال سال زیاد تر خواهد شد چنانچه اسال در حید تکیه و مسجد و جایهای دیگر که تفصیل آن نوشته خواهد شد مجلس تعزیه داری و روضه خوانی بر پاست خاصه در تکیه و دولتی ارک مبارک که صفه با و طاق نما و ایوانها مشحون با انواع نقایس از قبیل شاههای کرانهها و بلورالات میباشد و شبها چراغانی خوب میشود و با کمال سگوه و زینت و صفا و آراستگی بسته شده است و هر روزه اعلیحضرت شاهنشاهی بجهت حصول توبه تشریف فرمای آنجا میشوند و از انسانی دولت علیه و شاهزادگان عظام و سران و صاحب منصبان نظام و خوانین کرام و عسوم جا کران در بار چشم و قاطبه ناس ذکورا انما کبیر اصغیر از زیاد در آنجا نموده مشغول تعزیه داری و دعا کونی چنانچه جناب احمد شرف المصنم صدر اعظم علا و و بر تکیه دولتی شبها را هم در عمارت باغ</p>	<p>مجلس روضه خوانی و ذکر مصیبت جناب اباعبدالله دارند و در هر شبی جمعی از علما و سادات و اشرا و اعیان و بعضی از معارف جا کران در بار بایون مخصوصاً دعوت نموده بعد از ذکر مصیبت و صرف شام و قهوه چون در تکیه دولتی چراغانی و میشود با بنجارفته اوقات را صرف تعزیه داری و حصول دعا کونی ذات اقدس بایون دارند درین اوقات که چند روزی با اول میزان مانده هوای دار آنکلافه طهر ان کمال اعنہ ان راه و صولت کرمانگی شکسته است و با وصف و جمعیت تعزیه داران در تکیا و مساجد و مجالس تعزیه کسی از کرام و حرارت متالم نیست و از صد کرامای تابستان فارغ و آسوده مشغول تعزیه میباشد دیگر مسجد الله این اوقات در دار آنکلافه طهر ان نور نعمت و کمال فراوانی و ارزانی است و چهری از ناکولات و میوجات و آذوقه و حبوبات غیره فراوان است و عسوم خلق در عین رفا و احیت آسوده خاطر مشغول تعزیه داری و دعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی میباشد و با وجود کثرت خلق در تکیا یا از احدی شرارت و هرزگی ظاهر نمیکرد و صد از کسی باندنی شود و در ذکر مصیبت جناب سید الشهدا علیه السلام</p>
---	---

۱۵۲۱

سایر ولایات

اورپایجان و استرآباد و اسدآباد
از این ولایات درین هفته نیز اخباری رسیده

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند بواسطه
مستطاب شهبازده والایا رحمت الدوله حکمران
اصفهان در انتظام امر ولایت و اسودکی توکری در
کمال مراقبت را دارند خاصه در امر نظام که بسیار
و توپچی متوقف اصفهان راهه روزه بمشق حکم کرده
و بعضی روزها خود بمشق آنها حاضر میشوند و درین
اوقات یکروز چهار عراده توپ بجهت تیراندازی
به سمت فولاد برده خود نواب سزئی الیه یک تیر را
فراول رفته بمشان زده بودند بعد از آن عالیجاه
باشم خان سرمنگ نیز یک تیر فراول رفته بمشان
زده بعد از آن توپچیان مشغول مشق تیراندازی گردیدند
تا نزدیک بغروب مشغول بوده اند

دیگر نوشته بودند که یازده عراده توپ که از دریا
بایون مامور بندر ابوشهر بود در میت و خیم و بقعه
دارد اصفهان گردیده در میدان نقش جهان در
سر توپخانه چادر زدند نواب شهبازده مقرر فرمودند که
بعضی چوبهای حرج و عراده توپها که در عرض راستگنجه
رسانده بودند ساخته و تعمیر شوند و شش روز
نیز توپچیان مامور در آنجا توقف داشته بعد از آن

کار روانه مقصد گردیدند و نواب شهبازده حکم نمودند
که در هر یک از منازل سیوریات آنخارا تا از خاک
اصفهان بیرون بروند بمباشین کاری نمایند
دیگر تعبیر اخبار اصفهان را که نوشته بودند در
ماه ذی قعدة از اینقرار بوده است

نان پلمن بوزن کویس بوزن برنج روغن
حصه الله الله حصه الله

سختوز حدس جو کندم
بر وجود و بطام و خراسان حجت و دارا
و کسنان ازین ولایات نیز درین هفته اخبار
نرسیده است

عراق سلطان آباد از قراریکه در روزنامه
عراق نوشته بودند مقرب انخاقان میرزا حسین خان
بتامی بلوکات عراق گردش نموده و بکار رعایا و
عوزرسی و دقت تمام کرده است و در دانات هیچ جا
سیوریات و اخراجات گرفته و جمیع اخراجات
از شهر نوبجلی مال خود برداشته است و هر یک از
عقال و مباحثین که نسبت بر عیبت نقدی کرده
بوده است او را معذول نموده و اگر چیزی از عیبت
گرفته بوده است مسترد و بصاحبش تسلیم و هر یک از
عقال و مباحثین که بارعایا بکده خدائشی و حسن سلوک
رفتار کرده و رعایا از او راضی بوده اند او را نواب

نموده باز کاگان در سرش و عمل خودش برقرار کرده است و رعایا از این جهت کمال شکر گذاری و دعا کونی را داشته اند

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان شارالیه در بنا سلوک بها شرو نایب و تحصیلدار بار عایا چند فتره قرار داده و حکم همه بلوکات فرستاده است که باعث رفاه و دعا کونی رعیت است از جمله نایب که بدات ابوالجمعی خود میرود و قربانی کشتن جلور و رسوم قربانی و رسوم سفره و رسوم فراتش موقوف و مطلقا از رعیت مطالبه نشود و دیگر بر آن که بر حسب امر اولیای دولت قاهره ممنوع است موقوف باشد اگر عیسی تقصیر کند نایب باندازه تقصیر او را تنبیه نماید و دیگر خدمتانه آدم نایب که بجهت آوردن مقصود اخبار مالیات یا اخبار سربا و ازین قبیل کارها مأمور بشود از یکبار دنیا تا یک تومان مجوز باشد و نایب باندازه آن در حکم بنویسد و اگر معلوم شود که زباده از یک تومان در کارهای عمده خدمتانه گرفته اند مواظب باشند و دیگر هر وقت نایب بجهت وصول مالیات یا خدمتی دیگر از خدمات دیوانی بلوک برود باید همه جهت از آدمهای خودش و ارباب رجوعی که با او کار دارند زیاده از ده سوار شب در هیچ وجهی نمانند و سکار هم بدات نزود و اگر از رعیت غیر از زمان و کوشش

و جو و گاه زیاده از قبیل روغن و برنج و قند و چای و عنبره بخواهند رعیت مازون است که نهد و آمده بجاکم حالی نماید و یکدعاوی که نهند سنوالتی که مردم با یکدیگر داشته باشند نایب در آن نماند بیایند در شهر در حضور حاکم شرع با اطلاع حاکم بگذرانند و دعاوی ایام نیابت خود نایب با او باشد که رسیدگی کرده بروفق عدالتسان آنها حکم نماید دیگر مالیات دیوانی را بقسطی که معین موافق دستور العین و دیوانی از رعیت دریافت کنند و قبض بدهند اگر بی قبض بخواهند خواه بکیر مد رعیت مازون است نهد و آمده بجاکم اظهار کند

عربستان

از قرار یک در روزنامه مجمره نوشته بودند نواب امیرزاده ابراهیم میرزا حکمران عربستان در امر ولایت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل دارند و عالیجاه حاجی محمد علی مستوفی عربستان را درین اوقات مأمور بدیدن سان میرزا و نوا و نوکر بلوچ مأمور خدمت مجمره کرده بودند که باطلاع عالیجاه میرزا ابو الفضل سان آنها را بدقت بدست طومار یا بچهر گرفته بنزد نواب معزی السیه بفرستند که روانه حضور نواب مستطاب احشام الدوله نماید

چون هر ساله در اوایل تابستان او خراج بجهت

۱۵۲۳

شدت جزو قد دریا آب از سایر فصول بیشتر
 طبعان دارد درین سال سنگامه دریا آستان
 بلا آمد بود که بازار و دکانهای محرمه در نزدیکی حرم انبیا
 اخرا لامر بسی و هشتم عالیجاه میرزا ابوالفضل اعراب
 اطراف ایجاری کرده بچوب نخل و خاشاک جلو
 آب راستی محکم بسته و مردم آسوده شد
 دیگر نوشته اند که در ماه شوال هوای محسره شدنی
 گرم شده بود که نیم ساعت از روز بالا آمده
 قدرت بیرون آمدن نداشت اکثری از سربازان
 و نامورین و امالی محسره مبتلای بهمای حاره
 امراض مختلفه شده بودند چند نفر از توپچی و سربازان
 و کسان عالیجاه میرزا ابوالفضل فوت شدند
 مستطاب حشام الدوله طیب فرستاده و مقرر
 داشته بودند که مرخصیها را اندا و اموده خارج دوا
 و غذا بدهند و عالیجاه میرزا ابوالفضل حسب احکام کمال
 اهتمام در رستاری آنها نموده بودند
 دیگر نوشته بودند که چون سابقا شربازان و توپچی
 نامور خدمت محرمه همه روزه صبح و عصر مشغول مشق
 بودند در اوقات گرمی بواسطه شدت حرارت آفتاب
 مشق کردن صعوبت تمام داشت در آشن صبح بصبح
 صبحها را مشق می کردند
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه آقا حسین غلام پیشخدمت

نواب مستطاب احتشام الدوله که عامل و زمین
 مطاعه و خلع مزمینی از دربار جهاندار جانان
 نامورین خدمت محسره بود در رفت و ورود
 عالیجاهان میرزا ابوالفضل و شیخ حاکم خان فتح
 خان یا و با سایر اعیان و اشرفان با استقبال
 شفاعت لوازم توقیر و احترام خلع و شناع در عمل
 آورده زین سبب مفاخرت خود نموده
 دیگر نوشته بودند که در سال گذشته چهل نفر توپچی
 بلوچ در بند محسره مشغول خدمت بودند درین
 سال نواب مستطاب احتشام الدوله حکمی فرستاده
 بودند که عالیجاه میرزا ابوالفضل از بلوچهای سابق
 و لاحق بقدر سصد نفر جمع آوری نماید تا حکم ثانی
 در باب ناموریت آنها برسد و تا این اوقات بقدر
 دویست نفر از آنها جمع آوری شده است
 فارس
 از هزاریکه در روزنامه فارس نوشته اند نواب
 مستطاب شاهزاده و الا تبار مؤید الدوله حکمران
 مملکت فارس بقانون معهوده مشغول انتظام امور و
 و رفاه حال نوکرو رعیت و انجام خدمات دیوانی
 میباشند و در چهارم ماه و یقینا بجزم سکارا
 روزه شکارگاه و در کوک بیابان نواقل مکان کرده
 چون گسر مزاجی بهم رسانند بشهر معاودت
 در یوم یازدهم ماه فروردیه خلعت مهر طلعت جانان

۱۵۲۴

شاهنشاهی پرتو وصول افکنده بود کمتر مزاج نوا
 معزتی الیه - رفع شده با حبیب جاگزان دیوان
 و اعظم و اعالی و اعیان و امالی باستقبال
 بمایون شتافته لوازم توقیر و احترام را
 و در باغ نخلت بمایون رازیب پیکر مبان
 نموده بعد از تقدیم مبارکباد و صرف شربت و
 شیرینی بشهر محبت کرده اند
 و همچنین خلعت مقرب انخاقان ^{ملک} و علیخان شجاع
 نیز در همان روز پرتو وصول افکنده رزیب برو
 و دشش مفاخرت و مہمانت خود نمود
 دیگر نوشته اند که نواب شایانزاده مؤید الدوله
 بصواب دید مقرب انخاقان حاجی قوام الملک
 یکبار حروار غله مقرره استند که حمل شده بشهر
 برده تحویل عالیجاه میرزا حسنعلی خان دریابگی
 نمایند که در انبار آنجا بجهت اذوقه ماورین ^{صنعت}
 نماید و هم در آن اوقات حکم نمودند مقرب ^{انخاقان}
 محمد علیخان شجاع الملک سیصد نفر سرباز
 روانه لار نمایند و حسب الامر سرباز مزبور را
 دیده روانه نمود

و شرارت بود این دفعه دستگیر گردیده نوبت
 معزتی الیه مصلحت در اعدام او دیده اورا اسبات
 و مردم را اجنابت او آسوده کردند
 دیگر نوشته بودند که نوز الدننام کنگولی دزد مشهور
 در اوقاتی که نواب مؤید الدوله حکومت کرمان
 بودند در قلعه علی آباد لار جمعی از اشهرار و قطاع ^{الطریق}
 بدو رخو و جمع کرده و یک لوله توپ چو دنی ^{مسموم} با
 گذاشته علی رؤس الاشهاد راههای کرمان و
 فارس را میزد و مال قوافل را میبرد نواب معزتی ^{الیه}
 از سمت کرمان جمعی را باستیصال آنها مأمور نموده
 سارقین تاب مقاومت نیاورده فرار کرده بودند
 ماورین قلعه را که محکمه آنها بود غالبها سا ^{کرده}
 نوز الدننام باز در جاهای دیگر مشغول سرقت
 شرارت بود تا در این اوقات دست اجل بر
 قهای او زده کوفت بشیر از او رده بود بفرود
 در بین مباحجه با مشتری منازمه کرده نیز مقرب ^{انخاقان}
 حاجی قوام الملک آمده بودند نواب شایانزاده ^{انخاقان}
 گردیده فرستاده مشا را الیه را دستگیر و حکم
 ببس او نمودند تا بجزای اعمال خود برسانند
 دیگر نوشته بودند که درین اوقات اجناس و
 ماکولات فارس نسبت سابق بسیار تنزل کرده
 و هر چیزی و فور بهم رسانده است و سجد ^{اللہ}
 و ادائی و ارزانیت و امالی آنجا کمال شکر گذار ^{اداره}

۱۵۲۵

دیگر از قراریکه نوشته بودند نواب امیرزاده عجبی
در صفحات لاریستند و امور انجاریا هر چه عظم
مضبوط دارند و از تفکیکیان لاری مجدداً دولت
نفر نیز بجهت مستحفظی بند عباسی فرستاده اند

دیگر نوشته بودند که دو بند از بلوک کربال را که
موسوم به بند جهان آباد و بند خشک استند
برده و خراب کرده بود و بدین واسطه بجهت
و صاحبان ملک و زمین کربال که هم ششوک کار
و ایشان از بند های مزبور بود ضرر فاحش روی
داده مراتب را به عرض نواب موید الدوله رسانیدند
نواب معزی الیه ادم فرستاده بر آورد و خرابی
انجاریا سه هزار تومان مشخص کرده بودند مقرر داشتند

که بناء عکله و تحواه و اسباب بانجا فرستاده
بند های مزبور را در کمال استحکام سازند که رعایا
انجاریا مشغول زراعت و عیسی خود بوده متفرق و پراکنده
نشوند

عالیجاه علیقلی خان سرینک فوج فشار خرقانی که
بامور خدمت فارس بود در پانزدهم ماه ذیحجه
با فوج وارد شیراز شده در پهلوی باغ نوارد
زده و در شانزدهم ماه مزبور فوج را در کمال
اراستگی و شکوه بحضور نواب موید الدوله برده
در میدان صف نظامی کشیده بودند نواب معزی
انهار را یکی یکی ملاحظه فرموده بعد از آن عالیجاه شیراز

حکم مشق با آنها داده با اینکه میدان مزبور چندان
وسعتی نداشته است بطوری مشق کردند که اهل نظام
هم تحسین نموده بودند چون نوشتجات و عرایض حکام
و صنایع عرض راه که رسید انهار کمال رضایت

از مصوبت و نظم عالیجاه علیقلی خان کرده بودند
که بسیار با قاعده و نظم حرکت کرده و سر بار او
بسیار خوب خلاف حسابی نموده بودند لهذا نواب معزی
التفات زیاد به عالیجاه پشاور الیه نموده حلقه بجهت
او فرستادند و مقرر داشتند که هیئت و تدارک
خود را دیده بخدمت صفحات لاریستان روانه
شوند

مقرب انخاقان عبدالدخان صارم الدوله که در
دارا بجزو با فوج توقف داشت و بعضی از افواج
او هم در شیراز و جاهای دیگر ماموریت داشتند
نواب موید الدوله مقرب انخاقان پشاور الیه را از
احضار و مقرر داشتند که سر بار خود را جمع آوری
نموده روانه دیار کالیون شود

دیگر نوشته بودند که خرابیهای شهر شیراز را که تازه
بنایی کرده اند بسیار خوب و باصفا تر از اول شد و فی الحقیقه
شهر نوی گشته است و بار هم مشغول ساختن جویها هستند
و هر چه ختمه شود در کمال استحکام و بهتر از بنای اول است
قسم کربال و کربال و کربال و کربال و کربال و کربال
کیلان و کربال و کربال و کربال و کربال و کربال

۱۵۲۶

نزهت چیدرس

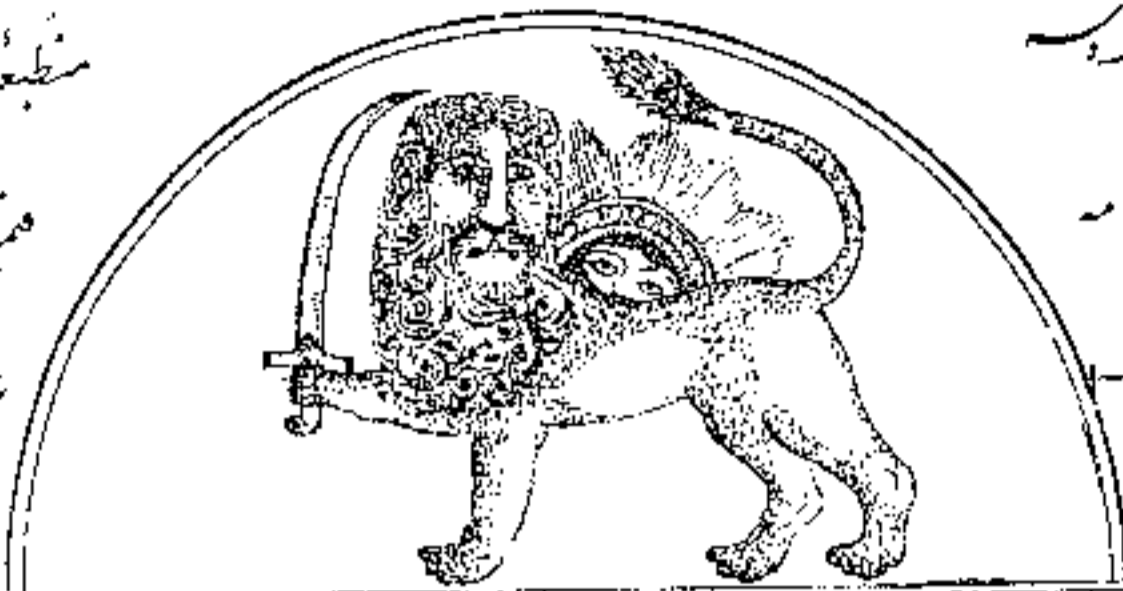
قیمت روزنامه

هر نسخه ده شایر

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پنجاه



اخبار و خنده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

دارالخلافه در روز نور تعزیه داران دسته دسته

با ادضاع تعزیه داری در کتب میدان ارک یادگنده

دولت شرفیاب حضور مبارک مشوند این روزگار

فی اسبق از محلات و تکایای دارالخلافه از غریب و

بومی اعالی و ادانی با اسباب تعزیه داری بگنده

آده شرفیاب حضور مبارک گردیده و رسوم

تعزیه داریر البطل آورنده و از جانب سرکار اعلیحضرت

شاهی لازمه انعام و التفات در حق مستحقین و بیجا

لازم بود سبذول گردید و شب هشتم و شب عاشورا

سرکار اقدس هایون شاهی همه تحصیل لوازم

تعزیه داری و تفریح چیراغانی بگنده دولت شریف

فرما گردیدند

چون از قدیم الایام در دو محله دارالخلافه که عبارت

از چال حصار و چال میدان باشد در روز عاشورا

چون برسانه از جانب دیوان اعلی حبه تعزیه داری

جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام در دیده عاشورا

در میدان ارک چادر پوشش زده میشود امسال نیز

حسب الامر اقدس هایون شاهی چهارده دیر

که نازه مخصوص تعزیه در میدان ارک دوخته اند زود

شده در روز نهم محرم الحرام بقرار استنواست سابقه

اعلیحضرت شاهی بگنده میدان ارک شریف فرما

گردیده لوازم پیشکش و قربانی از جانب بفرستند

عین الملک که ناظر کارخانه مبارک و مبارکشان

یعنی آده شربت و قهوه در آنجا صرف فرمودند و از

بهارت ارک جناب شریف مجدداً فرمودند که

فرما گشته بنهار را در آنجا میل فرموده بعد از ظهر از آنجا

بگنده دولتی شریف بردند چون از محلات و بعضی

جمعیتی شد اوضاع تعزیه را درین دو جا برپا
 میکردند و این برد و مکان جای مخزوبه و غیر
 قابل بود امثال جناب اشرف ابجد ارفع نخست
 صدر اعظم و جی از خود بجهت تعزیه با چال
 و بنانی تکیه و رانجا داده بودند با هتمام عالیجا
 محمود خان کلانتر میدان مزبور تکیه بسیار خوب
 در پاکیزه ساخته شده و در تمام دور میدان
 مزبور احصار و دیوار کشیده و طاق بنا کرده
 صفتی است اندک در مرتبه اول بعضی از اعیان
 و اشراف چادر میزنند و در دو مرتبه دیگر تکیه
 مردم می نشینند و استماع تعزیه داری و در هر
 می کنند و در وسط تکیه آب انبار بسیار بزرگ
 خوب ساخته شده که بالای آب انبار مزبور صفت
 و میدان بجهت تعزیه خوانهاست و این تکیه در
 وجه با تمام رسیده بود جناب اشرف ارفع صدر
 اعظم و جناب نظام الملک در روز ششم انجا
 بکیه مزبوره آمد بسیار تعریف و تحسین و تعجب
 محمود خان کلانتر نهایت القات و نوایش نمود
 و در روز عاشورا که در آنجا سبای تعزیه بود
 از دو حام نظام و جمعیت نام شده مردم مختلف
 سالهای دیگر با کمال آرام و استراحت نشسته
 بلوازم تعزیه داری جناب سید الشهدا و دعاگو
 ذات اقدس عالیون پرده چستند و بعد از اتمام

تعزیه داری آنجا اساس و اوضاع تعزیه را چنان
 محمود خان کلانتر و کجانی که خدا بر دستها بگشاید
 دولت برده بقرار معمول مراسم تعزیه داری برادران
 بعین آوردند
 از سنو آه سابقه بعضی رسومها و قانونها در گایا و
 در تعزیه داری فیما بین عوام الناس جمال معمول و
 تداول بود از قبیل شبیه سر بریده از مقواسا
 و مجلس آوردن و ساز و آبی در مجالس تعزیه زد
 و غیر ذلک از سیکونه چیزها که شرعا و عرفا جایز و ممدوح
 و علمای اعلام فتوی به تجویز و ترویج میکنند افعال و
 اعمال نمیدانند امسال بر حسب فتوای علمای اعلام از
 جانب سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی امر و فرمایش بر
 منع اینگونه حرکات گشته حسب الامر موقوف شد
 و این چند سبب مزید دعاگوئی انالی و در انخلا فو کلام
 اهل ملت و فریب گردید
 کوی نقره مال مقرب انخاقان ملک الکتاب از کرد
 اسبکسان او در کوچ افتاده و مفقود شده
 بود در سربازان قراد و نجانه جمعی عالیجا و غیر رضا خان
 سر تیپ پیدا کرده نیز در مشارالیه آورده بودند
 او هم سپرده بود که نگاه دارند تا صاحب معلوم
 شود در بین اوقات معلوم شد که مال مقرب
 ملک الکتاب است آورده مقرب انخاقان مشارالیه
 تسلیم نمودند

۱۵۲۸

سایر ولایات
 از فرماندهان و استرابطان و اصحاب
 ازین ولایات درین هفته اجاری رسیدند
 پروچرو

از قراریکه در روزنامه برود نوشته بودند
 مستطاب هزاره و الا بتار حشام الدوله فوج
 و لیجان سرتیب را احضار به برود کرده و در
 باغ شاه چادر زده اند و توپخانه مامور در
 هم از شهر خارج نموده روز بروز دسته بسته
 سر باز را می رسند و مواجبا آنها را رسیدگی نمایند
 هر یک از سر بازان که کارشان ناتمام است
 نموده با انجام میرسانند که مسکام حرکت ناتمام
 در کارشان نباشد

دیگر نوشته بودند که در ۲۱ ماه ذیحجه سرمای سید
 در برود شده بود بطوریکه آب بخی بسته و بسیاری
 از زراعات شلتوک و جو زرق و ماش و لوبیا
 را سرما زده و بیابغات انگور نیز ضرر رسانده است
 زارعین از اغلب زراعات مایوس گردیده چنانچه
 مگر زراعت شلتوک را که کمان داشته اند نصفه
 غایب بشود و شب دیگر هم بواسطه شده ولی
 شدت اول بوده است بعد از آن هوا با عدال
 آمده بود و در تاریخ مزبور از کرمانشاهان هم نوشته
 بودند که هوا در آنجا نیز بسیار سرد شد بود

دیگر در روزنامه لرستان نوشته بودند که
 جلال الدین میرزا با فوج عالیجاه جعفر قلیخان خندان
 و سوار دسته عربان و یار احمدی دسته خانجانی
 از اکثر حرکت کرده بسبب خاوه رفته و امر
 انتظامی کامل داده و نواب مستطاب احتشام الدوله
 تاکید نموده اند که امور کا کا و ندر را هم نظم
 بکنند

دیگر نوشته اند که نواب غلام حسین میرزا که با
 نفر و لفان و دولت نفر پشتکوی و دولت نفر
 و الوند و سواره قاید رحمان و یک عراده توپ
 بهر و بالاکر لویه رفته اند امور آنجا را انتظام تمام
 مشغول و وصول و ایصال ولایات دیوانی نمایند
 با اینکه ایلات مختلفه در آنجا هستند از احدی

خلاصی ناشی و صادر نمیشود
 خراسان
 از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند
 اقیقت و انتظام در امور آنجا حاصل است و نواب
 مستطاب هزاره فوج و الا بتار فرمانفرما حکمران
 مملکت خراسان نهایت رسیدگی و انتظام را در
 ولایت و آسودگی توکرو رعیت دارند و از جا بهانی
 سابقا سی چهل نفر با حتماط میرفتند حال یک نفر
 و دو نفر با کمال آسودگی و خاطر جمعی عبور و مرور
 نمایند

۱۵۲۹

شاهشاهی بفقرا مسا کین زیاده اطعام جهان کرده اند

بروچر و ولطام و خراسان و خوارزم و عراق و غیره ازین ولایات نیز درین مهفت اخباری رسیده است

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند

عالیجاه محمد علیخان سرتیپ فوج تحفه قاپوی قراجه

در دویم ماه دیجه با فوج وارد شیراز شده فوج

مرزبور را با کمال آراستگی بحضور نواب سرتیپ

شاهزاده و الایبار مؤید الدوله حکمران مملکت

فارس برده بود و ولی از قراریکه نوشته بودند

بعد رسیدن نواز سر بازار و صاحب منصبان

ناخوش بودند و بعضی قسم فوت شده اند

نواب مؤید الدوله حکیم بجهت آنکس تعیین نموده خود

سرتیپ مشارالیه همه روز با حاد و افراد میر

رسیدگی نموده و آنها را اولداری داده برادار

و معالجه و پرستاری آنها استقام زیاد دارد

دیگر نوشته بودند که محمد جعفر بیک چابار که محصل

چابار خانها بود بحضور نواب مؤید الدوله آمد

کرد که کار دهنسرای خان خزه که در سیابان

واقع و آب در آنجا کم یاب و قلیلی آب در نزدیکی

کار و انرا بود که کفایت عابریین را نمیکرد و این

اوقات که خواستم راه قنات او را پاک کنم چهل

ذرع بدین قنات مانده حوض بزرگ مثنی پیدا

شد که از یکپارچه سنگ تراشیده اند و در وسط

ان چاه عمیق پیدا شده تا شش ذرع که پاک کرد

و وسوایح ظاهر گردیده آب فواره زده حوض را

پر کرده و جاری شد آبی بسیار کوارا دار و عابریین

ازین نهره زیاده خوشوقت شده در رفاه

و در قنات معتبر دیگر هم در آنجا پیدا شده است

چنانچه آن قنواه تنقیه و تعمیر شود علاوه بر اسودگی عابریین

و مترودین زراعت کلی در آنجا خواهد شد

قرقون

از قراریکه در روزنامه قرقون نوشته اند مسجد جامع و باران

قرقون موقوفاتی داشت که واقف بشیر ایط چند وقف کرده

قرار داده بود که بمصارف موقوف علیه بر زمین مسنواوه

چند موقوفات ضبط کرده بمصارف خود میسر نماند و مسجد

خراب شده و از رونق افتاده بود متقرب آنکس خان حاجی حسن

وزیر قرقون از کداز شمس حضرتشده آدمی از خود نکاشت که موقوفات

آنجا را با استحضار جناب اخوند حسن مجتهد ضبط نموده بمصارف

موقوف علیه برساند چند روز است که بنا و عمل مسجد

انداخته آنجا را از وجه موقوفات خودش تعمیر میسازند

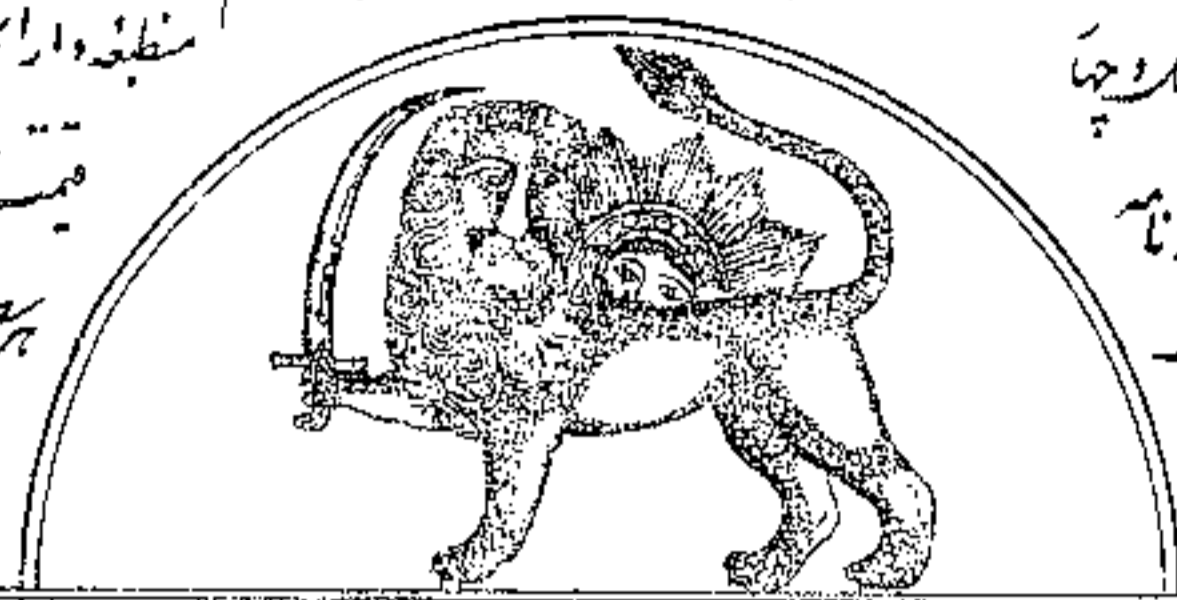
هم و کرمان و کیلان و کمر و کس و کمر و کس و کرمان و کرمان

و آنها وند و جردان و پیر و این ولایات نیز اخباری رسیده است

۱۵۳۰

روزنامه و قایمیه تبایخ پویم بحسبیت و حکم محرم سهرم بمطابق ساقی ۱۲۷۲

نزهت و تفریح و چای
قیمت روزنامه
هر نسخه ده شلر



منطقه و اصلاح طهران
قیمت اعلانات
هر خط پنج شلر

اجبار و احکام محرم و شاه

و اصلاح طهران
در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت امیرکبیر
شاهنشاهی عزیمت تفریح و تماشای امیرکبیر
و آن اطراف را فرموده بعد از ظهر سوار شده
و آن اطراف را گردش فرموده و هنگام
افتاب مبارک که سلطانی و مملکت
عظمتی اجتناب فرمودند

رفتند و حضرت امیر شاهنشاهی عزیمت چند روز
توقف در آنجا دارند چون روز قبل مرحوم حاجی
نظام العلماء برجت ایزدی پیوسته بود جناب
از فتح انجمن صدر اعظم در روز حرکت موکب
کالیون در سر سواری مجلس فاسق خوانی مرحوم
رفته مجلس فاسق را برچیده از آنجا موکب کالیون
پیوستند

چون درین اوقات بعضی ناخوشیهای مختلف
در دارالخلافه طهران بروز داشت و هوای داغ
و شبنمها خوب و طایم بود اعلیحضرت
کالیون شاهنشاهی در روز و شنبه ۱۱ ماه محرم
عزیمت دادند و فرموده تشریف فرمای آنجا کردند
و از خواص و مقربان حضرت گردون بسط
بعد از زوم از سایر خدم و حشم در موکب کالیون

چون بر سال در فصل پانزیمه اختلاف و
و فورسوجات ناخوشیهای مختلف و در اصلاح
طهران بهم میرسد حتی بعضی استتباط ناخوشی
میکنند و در این اوقات اگر چه با عقدا و بعضی
و با و در طهران فی السجده بروزی دارد و فی بعضی
که فوت شده اند محقق محصل نیست که از ناخوشی
و با بوده باشد یا از امراض دیگره اگر ناخوشی

هم باشد چون در کاشان نیز فی الجمله بروزی
 داشت و زود رفعتش امیدست که از دارالخلافه
 هم در همین روزها بشمار الله از توجیه انده اظهار ^{خلوص}
 بیت علیحضرت شاهی رفعتش بود و از قرار روزها
 شهر بجهت اتهام عالیجان کلانتر و که خدایان در
 پاکیزه نگارداشتن کویچه و محلات روز بروز
 ناخوشی در تناقص است و کمان کلی است که ^{کوچه}
 امراضی باشد مخرب رفعتش بود
 نواب مستطاب هزاره والای تبار اردشیر میرزا
 حکمران دارالخلافه طهران و توابع و مقرات ^{انجام}
 میرزا موسی وزیر در انتظام امور ولایتی و اسود ^{شهر}
 رعایا و بر ایاتام وافی دارند و بهرجهت امر
 دارالخلافه منظم است و کسی قدرت حرکت
 خلاف ندارد و سایر چاکران در بارها ^{پوش}
 از میران بجهت صاحب منصبان و عالیجان
 محمود خان کلانتر و که خدایان هر یک در انجام
 خدمات محوله بجز مراقب و ارباب هستند
 در قلعه آرامنه مارکو صاحب خانه داشتند
 و اسمعیل خان رزگر نیز در خانه مشارالیه بوده
 در منفعت گذشته که ایام عاشورا بود سه نفر در
 با شجاعت و از دیوار رخنه بمیان خانه زده ^{سپاسی}
 سرقت کرده بودند و مارکو صاحب مطلع شده
 آنها را تعاقب کرده بود و سارقین سه زخم

۱۵۳۲

باور زده و در رفعتش بودند ابو القاسم بیک دار ^{خدا}
 خارج شهر حسب حکم در تفحص و زدان بود تا ^{میکرد}
 بعد از عاشورا آنها را گرفته با اسباب مسروق
 با اتمام بحضور نواب شاهزاده والای تبار ^{شهر}
 آورده اسباب مسروق بصاحبش تسلیم ^{شد}
 و ابو القاسم بیک در ازای این خدمت
 مورد التفات گردیده نواب معتمدی الیه
 یک طاقه شال و خلعت دادند
 درین روزها ضعیفه دو طاقه شال و بعضی
 اسباب و رقیقه گذاشته و نیز ضعیفه دیگر
 برده بود که برهن گذاشته بخواجه قرض نماید
 بعد از آنکه شال و اسباب را نشان داد
 گفته بود که چون اینها امانت شخصی است و منجم ^{است}
 مصبوط باشد عبرت بقیه را میدوزم و لاک ^{بهر}
 زده می آورم بقیه را برده و تبدیل کرده ^{سجای}
 شال و اسباب پلاس در میان آن گذاشته
 و سر بقیه را در وحشت و مهر کرده بنزد صاحب
 بخواجه برده و بیت تومان پول گرفته و رفعتش ^{بود}
 بعد از رفتن او ضعیفه صاحب پول خدعه او را
 فهمیده و که خدای محکم را بلا فاصله خبر کرده ^{گفته}
 آن ضعیفه مکاره را پیدا کرده مراتب بعرض
 نواب شاهزاده رسیده و ضعیفه مزبور
 بجهت مطالبه بخواجه در حبس است

در این اوقات بسبب انقلاب هوا افواج
ظاهره نظام متوقف دارا نخواهد بود که از
مشق حسب الامر افسرهای یون معاف و
میباشند

در روز سه شنبه نوروز هم اینها افواج قایمه
نظام و توپچی و زنبورچی و سواره نظام را به
این لشکر و سایر لشکریان سان دیده
رسیدگی نمودند

تعمیر اجناس و اصلاح طهران
بعده بقره مسطورین است

کندم دور شهر	یکخوار	بیت	دو هزار
کندم سا و بجلاعی	یکخوار	بیت	سه هزار
یکخوار	سبزه	هزار	سه
گاه	یکخوار	چهار	سه
پوشه	یکخوار	بیت	هزار و پنجاه
ذغال	یکخوار	بنفده	هزار و پانصد
نخودرسی	یکخوار	بیت	هشتاد
لوبیا	یکخوار	سه تومان	سه
عدس	یکخوار	سه تومان	سه
مش	یکخوار	سه تومان	سه
رزن	یکخوار	دوازده	هزار و پانصد
خرما	چهارمین	سه هزار	سه
شیره	چهارمین	سه هزار	سه

کشان	چهارمین	دو هزار	ششصد
پیه کداحته	چهارمین	هفت	هزار و نوزده
خربزه	چهل من	پنج	هزار و پانصد
هندوانه	چهل من	سه	هزار و پانصد
انگور خوزکی	بیت	سه	هزار
انگور ترشی	بیت	دو	هزار
نان	یک من	پنج	هشتاد
گوشت	یک من	یک	هزار و پانصد
پنبه شور	چهارمین	پنج	هزار
مات	چهارمین	یک	هزار و ششصد
شع	یک من	دو	هزار و پانصد
برنج غنبرلو	چهارمین	دو	هزار و پانصد
برنج کرده	چهارمین	دو	هزار و پانصد
روغن	چهارمین	دوازده	هزار و پانصد
قنداری	یک من	شش	هزار و پانصد
قندیزی	یک من	چهار	هزار و پانصد
بنات	یک من	چهار	هزار و پانصد
شکر	یک من	سه	هزار و پانصد
تبا کوی اعلا	چهارمین	شازده	هزار
تبا کوی وسط	یک من	دوازده	هزار
انغوره	یک من	ده	هشتاد
آب لیمو	یک من	سه	هزار
سکنجبین	یک من	سه	هزار و پانصد

سایر ولایات

اور پاجان و استراباد و اسدیا
ازین ولایات درین معقه نیز اخباری رسیده

اصفهان

از قرار که در روزنامه اصفهان نوشته اند
استطاب شهبزاده والای استب حمت الدوله حکمران

اصفهان چند روز پیش الموالی بجهت رسان نوکر متوفی
اصفهان بعمارت چهل ستون آمده غلامان لجان

ایازخان و غلامان صدالدیک و سربازان
عالیجاه محمد ششم خان و سربازان زندران

بدقت تمام سان دیدند چون سربازان زندران
زیاده مریض و آشفته و حتی بجهت مداوا با آنها انعام

نموده مقرر داشتند که اطباء مشغول معالجه و مداوا
آنها باشند

دیگر نوشته بودند که در چهار فرسخی مورچه خورت
جمعی از قطاع الطریق طایفه بختیاری و دکل کوفته

وقدری اسباب سرفت برده بودند خیر مورچه
رسیده آقا قربانعلی نام که خدای انجا بقدری نفر

تفکیکی برداشته متعاقب در وان رفته و بانها
بنای رود و خور و کشته بقدری خست دعوا

اتحاط طول کشیده بود یک نفر از دزدان مقنول
یک نفر از تفکیچیان نیز زخمی شده باقی دزدان
کوفته و اسباب را بجا گذاشته فرار کرده بودند

مشارالبعث ان یک نفر دزد را با صفتان
نواب حمت الدوله در از این خدمت اورا

داده بودند و ده نفر فراسوران که بجهت تحفظ
مورچه خورت مستحق بودند و راه داد به آقا قربانعلی

که خدا اجمال کرده بودند مراتب بعضی نواب شهبزاده
رسیده آنها را خواسته تا ادیب مصنوب کرده بودند

که بعد ازین در خدمت محوله بجا ماندن و اجمال
دری

دیگر نوشته بودند که چون حاجی محمد رضا خان
از جمله اشخاص معتبر و بصفت کفایت و خدمت

موصوف بودند نواب شهبزاده بلوک لجان را با
واگذار کرده اند که امور اسجار اعظم و رعایا

از خود راضی داشته منال دیوانی بلوک مزبور را
بجمله وصول برساند بعضی از منفدین بلوک مزبور

نیز که در کار مشارالیه اخلال میکرده اند نواب
مغزی الیه آنها را تنبیه و تادیب نموده و در پیشرفت

کار مشارالیه لازم تقویت را کرده اند که از
عهد خدمات دیوانی بخوبی برآید

دیگر نوشته بودند که در عید اصحی و عید غدیر
نواب حمت الدوله بقراممول نوازم عید را

آورده بعد از شیلک ادای خطبه نموده و بدعای
بقای دانت اقدس طایون شاهی ختم کرده
و در هر دو عید بجهت حصول دعا کوفتی وجود فایض

۱۵۳۴

دیگر نوشته که قراولهای ارض آقدس بعد
حراست افواج کردی جمعی عالیجاه حسنعلی خان
سرتیپ است و از قراریکه نوشته اند بانها
نظم و حسن رفتار با امالی آنجا سلوک کرده اند
و امالی آنجا کمال رضامندی از آنها دارند

عربستان

از قراریکه در روزنامه محرمه نوشته بودند بنها
ایت و ارزانی در آن ولایت حاصل است و
انجاس که سابقا تعیری داشت در این اوقات
تزلزل کرده و امالی آنولایت ازین حسد کمال خوش
وقتی به شکر کرداری را دارند و در راه مراد

عالیجاه میرزا ابراهیم خان سرتیپ افواج خسته که
بانو کر ابواججمعی خود نامور ساخوی کلمات است
از قراریکه نوشته اند بسیار با معنویت و حسن
سلوک با امالی آنجا رفتار کرده و زیاده از نظم
و رعیت داری او توصیف نوشته اند

غله بهتر از سالهای دیگر بعین آمده است

دیگر نوشته بودند که یکی از لواحق لرستان که
محل کشت و زرع طوایف امرالی متعلق بعالیجاه فتح
سرتیپ افواج امرالی است هفت سال بود که بلخ خوار
می شد امسال عالیجاه شاد را دیده و نفر سوار و

دیگر نوشته اند که افواج شقاقی ابواججمعی عالیجاه الفتح
خان در ۲۴ ذیحجه و افواج سمنان و دامغان
ابواججمعی عالیجاه پاشا خان سرتیپ در ۲۷
ماه مزبور وارد ارض آقدس گردیده و در بیرون
دروازه حسب الحکم چادر زده اند تا بعد جا و مکان
برای آنها مشخص شود

کرده از چشمه شبرم که بامین اصفهان و فارس
بسیار که مرغ بلخ خوار است میباشد بسیار
بسیار ابطی که در میان اهل آنجا متداول است از چشمه
بر داشته بان ناحیه آورده اند و بعضی رسیدن با
بآنجا چندان سار بلخ خوار آمده که حد و حصر آن معلوم
نمی شود و بلخ آنجا را یکی بر چیده زراعت آنجا از

دیگر نوشته اند که افواج کردی و توپچی متوقف
ارض آقدس هر روزه در میدان شوق حاضر شده
شوق شوق میباشند و روزی ساعت شوق کرده
بعد بفرخدا ت شوقه بخود میروند

بلخ نسالمانده اند توضیح این فقره اینکه در هر جا
که بلخ بروز میکند سواری از آنجا چشمه مزبوره رفته
آب از آنجا بر میآورد و باید روی باز پس کند
و کوزه آب را بدست گرفته نسبت چشمه مزبوره دراز
ناید و بانجا که بلخ نیست بفرست براند سار بسیار از
عقب آن سوار و کوزه آب بکشت آمده تا بان

وار المرز و دامغان و سمنان
این ولایات نیز در این هفته اخباری رسیده است

۱۵۳۵

که بلخ دارد میرسد سوار ظرف آب را از جوی با
 درختی می آویزد سار را در آنجا مشغول کشتن
 میزند و بلخ را بامزه از آنجا تمام کرده بجای خوبی
 معاد و تهمی کنند و این کدازش از غزایب
 و در وقتی که این سار را مشغول کشتن بلخ می شوند
 از لعاب و خون بلخ مقدار آنها بسم می چسبند
 و باب قنات پار و دخانه یا چشمه که در آنجا پاشند
 در آمده مقدار خود را می شویند و باز بر کشتن بلخها
 میروند و اگر آب در آنجا نباشد مقدار سار را
 بهم چسبیده از کار می افتند و غلبه بلخ راست

دیگر نوشته اند که چون بجهت شدت گرمای
 اغلبی از فوج امرانی مرخص بودند و روزی دو هفته
 مشغول کردن بجهت آنها صعوبت داشت قرار مشق
 آنها را بصبح که هوا هنوز خندان گرم نشده است
 داده اند که تا هوا گرم بشود از مشق فارغ شده
 باشند و عالیجاه فتح الدخان در پرستاری و
 معالجه و مداوای مریضهای فوج مزبور اهتمام زیاد
 دارد

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه و سحبه در سدر
 طوفان شدیدی شده و تا ده روز امتداد داشت
 و هوای بطوری تیره کرده بود که بعضی روزها در
 میان اطلاق اشخاص یکدیگر را نمی دیدند و در باره

زیاد داشت و اهل کشتیا و جبارات و غیره
 اضطراب و تشویش زیاد بهر ساند بودند
 از ده روز هوا ملایم شده و موج دریا آرام گرفت
 کشتیا با صل نجات رسیده اما لی کشتیا سجدات
 شکر الهی را بعمل آوردند و از تراکم امواج عجایب
 نقل میگردند ولی هنوز معلوم نبود که کشتی و جبارات
 درین طوفان در آن اطراف غرق شده باشند یا

دیگر نوشته اند که درین اوقات شخصی بلوچ در
 قلعه بندر محسره در وسط روز برهنه گردیده بمیان
 شط رفت ناگاه ماهی کوسه که قسمی از ماهیها
 درنده بودند پیشش آتش شیر برنده تراست او را
 گرفته هر چند فریاد کرد با اینکه جمعیت زیاد در آنجا
 بودند کسی جرئت نکرد که رفته او را خلاص نماید و ما

مزبور او را بلعیده رفت

دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان چون
 درین اوقات زیارت بیت الله الحرام رفته است
 عالیجاه شیخ حاکم خان بر او را و که در زمان بود
 خود مشار الیه هم مصدر خدمات دیوانی و ا
 امور آن ولایت بود درین اوقات بیش از پیش
 در انجام خدمات دیوانی مراتب اتهامات خود را
 ظاهر ساخته و اما لی آنجا کمال رضامندی از حسن
 سلوک و مراتب امانت و دیانت و احقاق حق و دوع

۱۵۳۶

توقای او دارند

دیگر نوشته اند که سابقا چهل نفر نوکر بلوچ ^{ساخته} سخته
 بندر محمده برقرار بودند درین باب نواب ^{سخته} سخته
 شاهزاده والایبار احتشام الدوله درین سال
 عالیجاه میرزا ابوالفضل نوشته بودند که علاوه بر
 نوکر استاری سابق مکصد و شصت نفر هم جدید
 بلوچ نوکر ساختوی بگیرد و مشا را لیه نیز حسب ^{سخته} سخته
 دستاوه از آن اطراف از طایفه منوره جمع ^{سخته} سخته
 کرده و سان آنها را دیده با الفعل آنچه در راه
 و آنچه سان آنها دیده شده مکصد و چهل و دو نفر
 در بندر محمده مشغول ساختوی ^{سخته} سخته

دیگر نوشته اند که چندی بود که راه عبور کشتی و
 بار تجاری از جزیره ششم بسمت بندر عباس
 و غیره مقطوع و ممنوع بود درین اوقات حالت
 اعراب آنجا موقوف گردیده و بار تجاری می
 و خود اعراب بسم سخته معاطه و داد و ستد
 بندر عباس و لاریان ^{سخته} سخته

قسم و قرین

ازین ولایات نیز درین هفته اجبار رسیده است

کاشان

از قراریکه از کاشان نوشته بودند قبل از ورود
 عالیجاه محمد حسن خان حاکم کاشان با سجا شخصی
 عروسی داشته بعد پانصد شصت تومان جواب ^{سخته} سخته
 و رجوعت زمان از مال تجار و غیره با بابت آورد
 در بین عروسی اشیا منوره را سرقت کرده بودند
 صاحبان مال بعد از تفحص بسیار که از پیدا کردن
 قاصر آمده بودند مراتب را بدربار عالیجاه عرض
 حسب الاشاره العلیه مقرر شده بود که عالیجاه
 محمد حسن خان اموال مسروقه را حکما پیدا کرده ^{سخته} سخته
 اموال ابرساند عالیجاه مشا را لیه نیز در مقام ^{سخته} سخته
 و تفحص برآمد چند نفر را که کان صاحبان مال با
 میرفت است گرفته و از آنها مطالبه کرده چیرمی
 معلوم شده است باز چند نفر آدم کاشته است
 که در داخل و خارج شهر در تفحص باشند درین بین

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند
 بعضی از تفکیجان عالیجاه باقر خان تنگستانی
 از بندر عباس فرار کرده بودند نواب ^{سخته} سخته
 شاهزاده والایبار مؤید الدوله حکمران مملکت
 فارس مقرر داشتند که آنها را گرفته به بندر
 عباس معاودت بدهند ولی خود عالیجاه
 باقر خان با اینکه مریض است کمال اتهام در
 امر ساختوی آنجا دارد و از تفکیجان خود ^{سخته} سخته
 که مخصوص عالیجاه مشا را لیه هستند کسی فرار کرده
 با وصف اینکه بعضی ناخوش بوده اند کمال ^{سخته} سخته
 در امر ساختوی آنجا دارند

۱۵۳۷